

شناسایی نقش ورزش بر اقتدار سیاسی (مورد مطالعه: کاروان ورزشی اعزامی به المپیک ۲۰۲۰ ژاپن)

هوشنگ زمانی^۱

کمال جوانمرد^۲

محمد رضا اخضریان کاشانی^۳



[10.22034/ssys.2023.2783.3023](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.2783.3023)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۳/۱۳

هدف از تحقیق حاضر، تبیین چگونگی نقش ورزش بر اقتدار سیاسی است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش در زمره تحقیقات آمیخته است. در بخش کیفی از روش گراند تئوری کلاسیک استفاده شد. جامعه آماری در بخش کیفی، ۳۰ نفر از اعضای کاروان جمهوری اسلامی اعزامی به المپیک ۲۰۲۰ ژاپن و خبرگان ورزش بود. حجم نمونه تا رسیدن به اشباع مفهومی ادامه یافت و از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. جامعه آماری در بخش کمی، ۳۲۰ نفر از کاروان ورزشکاران اعزامی به بازی‌های المپیک بود که بر اساس جدول مورگان تعداد ۱۴۳ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پژوهش با ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته انجام و با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون رگرسیون تحلیل گردید. یافته‌ها به دست آمده در بخش کیفی شامل ۱۷۸ کد باز، ۲۳ کد محوری و ۶ کد انتخابی بود. یافته‌های تحقیق در بخش کمی نشان داد که ورزش از طریق مؤلفه‌های نفوذ ورزشی، دیپلماسی ورزشی، مشروعیت‌بخشی، قدرت هوشمند، اقتدار قانونی و سلطه ورزشی بر اقتدار سیاسی ایران تأثیر می‌گذارد. نتیجه آن‌که از میان مؤلفه‌های محاسبه‌شده، بیشترین نقش در این فرآیند را به ترتیب مؤلفه‌های اقتدار قانونی و نفوذ ورزشی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: ورزش، المپیک، اقتدار سیاسی، اقتدار قانونی و سلطه ورزشی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه تربیت‌بدنی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Javanmardkamal@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

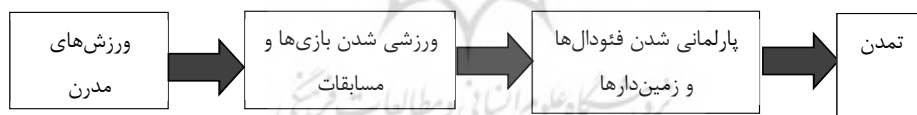
ورزش به عنوان یک پدیده زیستی و فرهنگی پیوند منسجمی با سایر نهادها و ساختارهای جامعه از جمله سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برقرار نموده و به مثابه آیینهای تمام نما از پیشرفت جوامع، یکی از مهم ترین شاخص های توسعه یافتگی ملت ها به شمار می آید؛ به طوری که دستاوردهای ورزش های مدرن در عرصه های بین المللی ارتباط تنگاتنگی با مؤلفه های قدرت و اقتدار جوامع دارد. مارسل موس به عنوان بنیان گذار جامعه شناسی ورزش معتقد است که کلیه پدیده ها از جمله ورزش نمی توانند یک جانبه و تک بعدی طبیعی و زیست شناختی صرف باشند، بلکه واقعیتی چندوجهی و مرتبط با ابعاد متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روانی، حقوقی، اقتصادی و اسطوره ای هستند که از اصل «واقعیت اجتماعی تام» پیروی می کنند. بر این اساس، به اعتقاد او در مطالعه و تبیین ورزش به عنوان یک پدیده تام اجتماعی باید به وجوه مختلف آن توجه داشت. از نظر او، این مفاهیم و پدیده ها زمانی معنا و مفهوم پیدا می کنند که به عنوان واقعیت های انضمامی و پیوستی در ارتباط با سایر ابعاد و واقعیت های دیگر بررسی شوند (جوانمرد، ۱۴۰۱: ۱۲). در هر حال، امروزه نقش دولت ها در مقام کارگزاران آشکار و پنهان ورزش، بسیاری از مناسبات حوزه ورزش را به شکلی جدی معنادار کرده و چشم اندازی نو به کارکردهای ورزش به عنوان یکی از محبوب ترین مقوله های مردم در سراسر جهان گشوده است. از سوی دیگر، از آنجاکه امروزه ورزش بعد از مقوله دین، دومین پدیده فراگیر جامعه بشری به شمار می آید، لذا این پدیده در راستای حفظ منافع ملی و همچنین حراست و پاسداری از اعتبار و اقتدار ملت ها در عرصه های بین المللی از شاخص های اصلی منافع ملی قلمداد می شود که تحت تأثیر عواملی تضعیف یا تقویت می گردد. در این میان، ورزش به عنوان «قدرت نرم» و یکی از مؤلفه های مؤثر می تواند نقش بسزایی در حوزه سیاست ایفا کند. هرچند که انگیزه دولت ها برای دخالت در ورزش در جهت کسب اقتدار داخلی و خارجی با توجه به منافع و پیامدهای مثبت و مطلوب آن توجیه پذیر شده که متعاقب آن شاهد خلق مفاهیم جدیدی در سپهر ادبیات علوم انسانی مانند سیاست ورزشی، بازی سیاسی، دیپلماسی ورزشی و جامعه شناسی سیاسی ورزش هستیم. بنابراین، در این رهگذر ظهور پدیده ای نوین به نام «ورزش» در کالبد چهره های متفاوت از میدان جنگ و مذاکرات سیاسی و دیپلماسی در خلق عرصه جدیدی در راستای تعاملات سیاسی هویدا می شود (پیمان فر و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۹). در این وادی، صاحب نظران معتقدند که شکل گیری بازی های المپیک مدرن از سال ۱۸۹۶ به وسیله دو کویرتن نشان گر گستردگی بیش از پیش رابطه متقابل و دیالکتیکی ورزش و سیاست است؛ به طوری که بازی های المپیک و پارالمپیک برای حکومت ها بستری برای توسعه مفاهیمی چون: صلح جهانی، نمایش اقتدار و مشروعیت است که بقا، شأن، اعتبار و حیثیت داخلی و بین المللی را برای کشورها به همراه می آورد (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۵). دولت ها برای حفظ جایگاه و ارتقای اعتبار یا منزلت در داخل یا خارج در زمینه های مختلف سرمایه گذاری می کنند

و با بزرگ‌نمایی موفقیت‌های ورزشی، درواقع به نمایش توان، دانش، صلاحیت حاکمیت خود می‌پردازند و مشروعیت و اقتدار خود را افزایش می‌دهند. در این رهگذر، عده‌ای از صاحب‌نظران علوم انسانی از جمله یوهان هویزیگنا جامعه‌شناس هلندی رویکرد منفی به ورزش داشته است؛ به‌طوری که ورزش مدرن را از دیدگاه سیاسی، ابزاری در دست طبقه حاکم پنداشته، معتقد بود سیاست و حاکمیت به‌صورت غیرمستقیم و مخفی در عرصه ورزش وارد شده و این پدیده را از مسیر اصلی خارج نموده‌اند تا آنجا که ورزش ابزار توجیه‌گر وضع موجود گردیده و به حاکمیت مشروعیت بخشیده است. او بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ برلین را تشریح می‌کند که چگونه ابزار سلطه و ماشین سرکوب نازی‌ها در آلمان شده است (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۹). به اعتقاد این اندیشمند حوزه جامعه‌شناسی ورزش، این دوره از بازی‌های المپیک در آلمان به صحنه نمایش توان رهبری هیتلر برای مخاطب داخلی و خارجی بدل شد تا ارتقای مقام آلمان از نهم المپیک در دوره قبل را به مقام اول المپیک طی چهار سال بعد ارتقا دهد و گواهی بر صلاحیت او برای رهبری آلمان و دنیا باشد. در خلال این رویداد ورزشی، نمایش توان نظامی آلمان به‌عنوان هشدار به دشمنان و تشویقی در جذب دوستان برای تحقق رؤیاهای رهبران آلمانی بود (بابائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۵). البته این رویداد تنها گوشه‌ای از میدان مسابقات ورزشی است که سیاست سایه سنگین خود را خزانده و پنهان بر آن افکنده است. هر چند که در ظاهر ادعا می‌شود که ورزش از سیاست جدا است، اما در واقعیت چنین نیست و ورزش با سیاست ارتباط تنگاتنگ دو سویه و متقابل دارد و به رغم اهداف و منشور کمیته بین‌المللی المپیک، سازمان‌های غیرحکومتی الزاما باید متولی ورزش گردند تا سیاست در ورزش مداخله نداشته باشد. این اصل موجب گردیده تا در مورد ارتباط ورزش و سیاست و مطالعه و پژوهش در این زمینه حساسیت و احتیاط وجود داشته باشد (زرگر، ۱۳۹۴: ۱۰). بنابراین، جامعه‌شناسان معتقدند پدیده ورزش که ظاهراً غیرسیاسی است، در عمل پهنه و میدانی برای رقابت برسر قدرت است. پیر بوردیو^۱، جامعه‌شناس معاصر فرانسوی معتقد است که مردم داوطلبانه وارد سازمان‌های ورزشی می‌شوند و از طریق رقابت، خشونت خود را تخلیه می‌کنند. حکومت‌ها نیز سازمان‌های ورزشی را به رسمیت می‌شناسند تا از آن طریق به بسیج توده‌ها و فتح آنان بپردازند. او بر آن باور است که پتانسیل قدرت در ورزش باعث می‌شود تا احزاب سیاسی، سندیکاها، کلیساها و مراکز سرمایه وارد این عرصه شوند (ملکوتیان، ۱۳۸۸: ۳۰۳). ماکس وبر، در پیدایش و تطور حکومت و دولت مدرن اروپا از اهمیت و نقش ورزش به‌عنوان «روزنه اجتماعی»^۲ سخن به میان می‌آورد و بر آن است که فرایند متمدن‌شدن بیانگر اهمیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدیده بازی و ورزش است، زیرا این روند شدیداً بر قاعده‌مندی و خویش‌داری بدن انسان‌ها استوار است (کریگان، ۱۳۹۵: ۶۳). الیاس، به تغییر رفتار طبقات سکولار بالای جامعه غربی و خشونت بدنی و رفتارهای اخلاقی از دوره

^۱Bordio

^۲ Social cettel

رئیس‌انسان اشاره نموده و معتقد است جوامع جدید باید بین بروز احساسات و هیجانات خوشایند در هنگام مشاهده رویدادهای ورزشی و خویش‌ن‌داری اجتماعی یکی را انتخاب نمایند (الیاس، ۱۹۸۶: ۱۶۵). علاوه بر آن، الیاس با توجه به دگرگونی‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه از قرون وسطی به بعد، به موضوعات کلان جامعه‌شناسی مثل تغییرات اجتماعی و سیاسی، نهادها و ساختارها در جوامع غربی و تاثیر و نقش آن‌ها در شکل‌گیری حکومت‌ها و تمدن‌ها پرداخته و معتقد است که شکل‌گیری دولت پارلمانی با دیگر فرایندهای اجتماعی و سیاسی ورزش مرتبط است و ورزش به عنوان کاتالیزور موجب ایجاد جهش ناگهانی در شکل‌گیری تمدن‌ها گردیده است. او به وضوح به کشف رابطه معناداری بین پیدایش ورزش و شکوفایی و گسترش رژیم پارلمانیته در انگلستان قرن هجدهم اذعان نموده (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۹) و بر آن است که ورزش خشونت‌هایی که ضدتمدن بوده و موجب آشفته‌گی و بی‌هنجاری^۱ جامعه می‌شود را متعادل نموده و مردم را به دوری از پرخاشگری و خشونت فرا خوانده و خودکنترلی، سعه صدر و خویش‌ن‌داری آن‌ها را افزایش داده است تا آن‌جا که رفته‌رفته کنترل و نظارت جای خشونت و تجاوز را گرفته و پدیده «بدن‌مندی»^۲ با چاشنی مدارا و تحمل شکل گرفته و آن‌گاه به تبع آن فرایند تمدن بروز و ظهور یافته است (برتون، ۱۴۰۰: ۳۱). به عبارت دیگر، الیاس بر آن بود که پارلمانی‌کردن طبقات زمین‌دار و فئودال در بریتانیا مشابه ورزشی‌کردن بازی‌های سنتی و خشن بود. او این دو پدیده را در ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با یکدیگر می‌داندست و معتقد بود که ورزشی‌شدن جامعه به‌وسیله ورزش‌های مدرن در انگلستان، یکی از عوامل اصلی پارلمانیزم بوده است (الیاس و دونینگ، ۱۹۸۶: ۱۵۱).

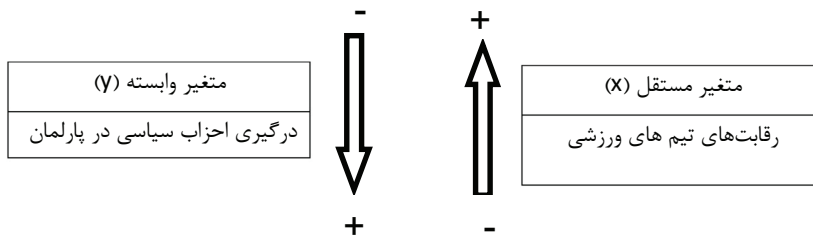


شکل ۱: رابطه ورزشی‌شدن و متمدن‌شدن انگلستان از دیدگاه الیاس

از نظر الیاس، بین ورزش و پارلمانیزم در انگلیس رابطه معنادار وجود دارد؛ به‌طوری‌که هر چقدر جامعه بیشتر ورزشی شود، به تبع آن نظام پارلمانیته شکوفاتر خواهد شد (الیاس، ۱۹۳۶: ۵۱۴). البته او این ارتباط را همیشه مستقیم نمی‌داند، بلکه معتقد است در پاره‌ای موارد این ارتباط و ضریب همبستگی معکوس اتفاق می‌افتد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۹)؛ به نحوی که میان رقابت‌های تیم‌های ورزشی و درگیری‌ها و چالش‌های احزاب در پارلمان انگلیس رابطه معکوس وجود داشته است. او بر این باور بود آن‌گاه که رقابت‌ها و نبردها بین کلوب‌ها و تیم‌های ورزشی بالا می‌گرفت، در مقابل درگیری و نزاع در پارلمان کاهش می‌یافت (قدیمی، ۱۳۹۳: ۹۰).

^۱ anomie

^۲ Corporeite



شکل ۲: رابطه معکوس بین رقابت‌های ورزشی و چالش‌های پارلمان در انگلستان

بنابراین، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای الیاس این بود که نشان داد بین حوزه ورزش و سیاست ارتباط معناداری وجود دارد؛ به‌طوری که بین پیدایش ورزش‌های مدرن و شکل‌گیری فرایند ورزشی شدن جامعه و ایجاد و شکوفایی رژیم پارلمانیته رابطه معنادار و تنگاتنگی یافت (دوفرانس، ۱۳۸۵: ۱۵۰). به بیانی دیگر، ورزشی کردن اوقات فراغت سنتی ارتباط تنگاتنگی با استقرار رژیم پارلمانی در انگلستان دارد (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

همچنین یافته‌های پژوهش هادیان و همکار (۱۴۰۱) پیرامون بررسی چگونگی تعامل ورزش- سیاست خارجی بر پایه «نظریه میدان» پی‌یر بوردیو نشان داد که ورزش مدرن، نقش و جایگاه مهمی در جهان معاصر دارد. به استناد «نظریه میدان» این جامعه‌شناس فرانسوی، رابطه ورزش با سیاست خارجی و چگونگی بهره‌گیری کشورها از میدان بین‌المللی ورزش در راستای اهداف سیاست خارجی کارکرد ممتازی را داشته است. عزیز آبادی و بهشتی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تأثیر ورزش و ورزشکاران حرفه‌ای بر زندگی سیاسی» دریافتند که ورزش ابزار سیاسی- اجتماعی نوین و تأثیرگذار در صحنه سیاست جوامع قلمداد می‌شود و نیروهای اجتماعی توانسته‌اند با این پدیده، نسبت به گذشته توانمندی و اقتدار سیاسی قابل ملاحظه‌ای کسب کنند. آنها ابراز داشته‌اند که ورزش نقش تسریع‌کننده در صلح میان دولت‌ها داشته و همه دولت‌ها بر نقش مهم ورزش تاکید دارند. برایان کلیفت و جاکوب بوستاد (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «ورزش و سیاست» بیان می‌کنند که باگسترش دامنه مفاهیم سیاست در بستر جامعه، سیاست به عناصری مانند ورزش نیز کشیده شد و لزوم این بررسی را هرچه بیشتر نشان داد. سیل و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «از ورزش سیاسی تا سیاست ورزشی» نشان دادند که ساختارهای فرصت سیاسی چگونه به بسیج سیاسی مسائل ورزشی کمک می‌کنند، عوامل فرهنگی چگونه در فرآیندهای سیاسی مربوط به ورزش تفاوت ایجاد می‌نمایند و بازیگرانی که در هنگام بروز مسائل ورزشی رقابتی درگیر هستند، مهم‌اند. شارکوف و همکارش (۲۰۲۰) معتقدند که یک نیاز آشکار برای شناسایی رابطه فرهنگ جسمی (ورزش) با کل جامعه

و با تمام عناصر ساختار اجتماعی و نهادهای خاص اجتماعی وجود دارد. بنابراین، این پژوهش تلاش می‌کند تا دریابد:

ارتباط بین ورزش و اقتدار سیاسی چگونه است و ورزش از طریق چه مولفه‌هایی بر اقتدار سیاسی اثر می‌گذارد؟

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش آمیخته (میکس متد) است. در بخش مربوط به روش کیفی از روش گراندد تئوری با رویکرد کلاسیک استفاده شد که در این روش محقق نقش پررنگی در جهت‌دهی به مصاحبه‌ها نداشته است. ابتدا مصاحبه با چند سؤال ساده آغاز شد. سؤالات مصاحبه عبارت بودند از: آیا میان ورزش و اقتدار سیاسی رابطه‌ای می‌بینید؟ اگر بخواهید آن‌ها را توضیح دهید چه مولفه‌هایی برایش برمی‌شمارید؟ درگام‌های بعدی متناسب با جواب‌ها، سؤالات از مصاحبه‌شوندگان تغییر یافت. سه مرحله کدگذاری آزاد انجام شد: کدگذاری باز که در این مرحله به مفهوم‌پردازی داده‌ها پرداخته و ۱۷۸ مفهوم استخراج شد؛ کدگذاری محوری که مرحله دوم تجزیه و تحلیل است و باهدف برقراری رابطه بین مقوله‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز انجام شد و ۲۳ مقوله استخراج گردید؛ در مرحله آخر یعنی کدگذاری انتخابی، پدیده موردنظر، ایده و فکر محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای است که جریان کنش‌ها و واکنش‌ها به‌سوی آن رهنمون می‌شوند تا آن را اداره، کنترل و یا به آن پاسخ دهند. پدیده محوری با این سؤال اصلی همراه است که داده‌ها به چه چیزی دلالت می‌کنند. ۶ مقوله اصلی استخراج شدند. جهت بررسی روایی و پایایی داده‌های بخش کیفی از دو روش بازبینی به‌وسیله مشارکت‌کنندگان و مرور به‌وسیله خبرگان غیر شرکت‌کننده استفاده شد و پس از دریافت نظرات اصلاحی ویرایش لازم انجام و الگوی نهایی ارائه شد. در بخش کمی به روش رگرسیون به آزمون مقولات پرداخته شد تا میزان تاثیرپذیری هرکدام از مقوله‌ها مشخص گردد. دو گروه جامعه آماری وجود داشت: گروه اول ۳۰ نفر که شرط ورود به مصاحبه آنها حضور در مسابقات بین‌المللی ۲۰۲۰ ژاپن بود و گروه دوم خبرگان ورزشی که دارای تحصیلات جامعه‌شناسی ورزش بودند یا در حوزه ورزش کار میدانی انجام داده و سمتی در ورزش داشته‌اند- به عنوان مثال، همراه تیم اعزامی به مسابقات بودند. گروه دوم برای جمع‌آوری نتایج تحلیل کمی، ۱۸۰ نفر گروه اعزامی ورزشکاران مد نظر بود که به دلیل عدم دسترسی به بعضی از بازیکنان یا عدم تمایل به پاسخگویی بر اساس نمونه در دسترس تعداد ۴۳ نفر با ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته مورد تحلیل قرار گرفت. پرسش‌نامه به صورت آنلاین در اختیار حجم نمونه قرار گرفت. پایایی پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که ۰/۸۷ ضریب قابل قبول را نشان داد و روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه نیز تایید شد. نرم‌افزار مورد استفاده spss نسخه ۲۲ بود.

جدول ۱: جامعه آماری کار کیفی

ردیف	جنس	سمت	سن	سابقه ورزشی
۱	زن	سر مربی تیراندازی بانوان	۴۸	۲۲
۲	زن	ورزشکار	۲۳	۱۰
۳	زن	ورزشکار	۲۵	۱۲
۴	زن	ورزشکار	۱۹	۹
۵	زن	سر مربی تکواندو	۴۹	۲۰
۶	زن	سر مربی دو میدانی	۴۷	۲۲
۷	زن	ورزشکار	۲۸	۱۵
۸	مرد	سر مربی تیم تیراندازی	۵۴	۲۰
۹	مرد	رئیس فدراسیون تیراندازی	۵۷	۲۷
۱۰	مرد	رئیس فدراسیون دو میدانی	۵۹	۲۵
۱۱	مرد	سر مربی تیروکمان	۴۷	۲۲
۱۲	مرد	سر مربی	۵۴	۲۰
۱۳	مرد	رئیس فدراسیون بوکس	۵۶	۲۰
۱۴	مرد	سر مربی بوکس	۴۹	۲۱
۱۵	مرد	فدراسیون شمشیر بازی	۶۰	۲۲
۱۶	مرد	سر مربی تیم شمشیر بازی	۴۷	۲۲
۱۷	مرد	ریس فدراسیون تنیس روی میز	۵۷	۲۰
۱۸	مرد	گزارشگر ورزش	۴۸	۱۴
۱۹	مرد	امور فرهنگی المپیک	۵۰	۱۲
۲۰	زن	ورزشکار تکواندو	۳۱	۱۲
۲۱	مرد	ورزشکار بوکس	۲۶	۱۴
۲۲	زن	ورزشکار تیراندازی	۲۹	۱۰
۲۳	۷ نفر شامل ازن و ۶ مرد	اساتید جامعه شناسی ورزش	سابقه تدریس ۱۶ سال	حضور ورشی و مطالعات ورزشی همه

۱۲ سال اعلام شد	بین ۱۰-۱۲ سال
سابقه تدریس	است
استاد خانم ۱۰ سال	

یافته‌های پژوهش

الف) بخش کیفی

جدول ۲: کدگذاری باز و محوری

کدهای باز	نمونه متن‌ها
قدرت نرم	مسئله اهداف المپیک که صلح و تاکید بر مباحث انسانی و ارزش‌های انسانی است با تفکرات
تغییر شکل قدرت و توزیع قدرت	سیاسی و بازی‌های سیاسی در تضاد است. خیلی جاها این سیاسی‌کاری‌ها نظام ورزش دنیا را تحت تاثیر قرار می‌دهد.
(هوش بافتمند	نفوذ رهبر بسته به موقعیت افزایش یا کاهش می‌یابد و این امر مبتنی بر چگونگی انطباق سبک
قدرت هوشمند)	عمل شخص با نیازهای سازمانی و شرایط بیرونی است که این مورد در ورزش ما به خوبی
قدرت هوشمند)	مشهود است. افرا، وزرا و انتصابات آنها در ورزش بسیار مبتنی بر میزان انطباق‌پذیری آنها با اهداف اعمال‌شده سازمانی است.
	تعدادی از وزرای ورزشی رابطه‌محورند و اعتماد به نفس آنها به عنوان یک وزیر ورزش
	ناشی از روابط شخصی موفق با پیروانشان است. وزرای ورزشی رابطه محور متکی به
	مهارت‌های الهامی و دارای قدرت نرم می‌باشند. برخی دیگر از وزرای ورزشی وظیفه‌محورند؛
	رضایت و خرسندی آنها ناشی از انجام وظیفه است. وزرای ورزشی وظیفه‌محور دارای
	مهارت‌های سوداگرانه و قدرت سخت هستند، اما موفقیت هر دو رهبر به فهم و درک‌شان از
	اهداف شخصی و تطابق مهارت‌های‌شان با میزان کنترلی که در موقعیت‌های مختلف تجربه
	می‌کنند، بستگی دارد.
گسترش روابط بین‌المللی	این رقابت‌ها، فرصت خوبی است که با همکاری مسئولان بتوانیم روابط خود را با دیگر
	کشورها گسترش دهیم و توانایی‌های خود را در عرصه بین‌المللی نشان دهیم
تحریم بین‌المللی	برخی مشکلات در مورد رشته‌های تجهیزات محور مانند تیراندازی همواره وجود داشته که در
	حال حاضر تشدید شده است به دلیل اینکه ما تحریم هستیم.
احساس عدم قدرت	جو المپیک سنگین است و حریفان هم بسیار قدرتمند هستند.
محدودیت در عملکرد	ازادی عمل کمتری در مجامع بین‌المللی داریم.

المپیک میدان بزرگی است. نماینده ایران هستیم. ورزشکاران ما هم دنبال کسب نتیجه خوبی هستند و امیدوارم بهترین رکورد خود را آنجا ثبت کنند.	میدان
متأسفانه یکی از خبرگزاری‌ها، رفتار و مواضعش برای ما یک مشکل چند ساله است و رسانه‌های کمی از ما حمایت می‌کنند.	عدم حمایت‌های رسانه‌های خارج کشور
ذوالقدر در مسابقات المپیک نیز حضور داشت، اما خنثی بود.	بی قدرتی
به مسئولان محترم و وزیر محترم ورزش هشدار می‌دهم تا زمانی که سیاست‌های ورزش ما اینچنین است، به جز سرافکندگی در میداين ورزشی و بین‌المللی چیزی عایدمان نمی‌شود.	سرافکندگی در میداين ورزشی و بین‌المللی
پول نداشتیم تا مطالبات به‌حق که وجود داشت را جواب بدهم.	بحران اقتصادی کشور
ورزش مافیای زیادی دارد. در لیگ جهانی اگر اسم ضعیفی داشته باشیم، بار زیادی بر روی تیم هست.	مافیای ورزشی عدم قدرت
وقتی اختلافات زیاد بشه، سهمیه نمی‌تونیم بگیریم چون حاشیه افتاد و اختلاف به وجود آورده و چالش ایجاد کرده است	عملکرد غیرورزشی
انگیزه وجود برای قهرمانی وجود داشت، اما شرایط خاصی این مسابقات دارد که داوری نقش مهمی دارد و فشار روحی سنگینی روی بچه‌ها آمد که باعث شد روحیه تیم کمی کاهش یابد.	نفوذ داوران خارجی عدم احساس قدرت در مجامع بین‌المللی
ورزش خیلی سیاسی شده است و این اصلاً خوب نیست. کسانی هم که به دنبال تخریب سایر هستند بدانند که علیه یک نفر کار نمی‌کنند، بلکه علیه تیم ملی یک کشور دارند کار می‌کنند. ما نقدهای سازنده را می‌پذیریم، اما نقدی که تخریب باشد را جلوی آن می‌ایستیم.	اقدام علیه تیم ملی یک کشور به دلیل سیاسی شدن
المپیک یک مسابقه جهانی است که بحثش با بقیه مسابقات فرق می‌کنه، چرا که مدال آوردن نشان‌دهنده پیشرفت و قدرت اون کشور است.	کسب مدال نشان‌دهنده قدرت و پیشرفت کشور
کشورهایی چون فرانسه و روسیه سخت بود که دیدن با اون امکانات‌شون ما توانستیم ریتینگ بالایی بیاریم ایران به قول معروف نمی‌شناختن و سهمیه گرفتن ما برای این مسابقات خیلی سخت بود.	عدم باور کشورهای دیگر سخت شدن شرایط گرفتن سهمیه
المپیک جایی هست که مدال‌ها را به تیم‌ها می‌دهند نه صرفاً ورزشکارانشون کسب کنند و این خیلی به قدرت کشورها بستگی دارد. مدال را از دست ما درآوردن. این خیلی آزار دهنده است.	بی قدرتی کشور احساس بی قدرتی ورزشکار

همه دولت‌ها ب خصوص آن هایی که به صورت بالقوه دارای منابع متعدد قدرت هستند، سعی بر شناسایی منابع قدرت خود دارند و هدف آنها، استفاده بیشتر از منابع قدرت برای نیل به اهداف خود است.	قدرت در ورزش یکی از منابع قدرت است
آتش بس المپیک هفت روز قبل از شروع بازی‌های المپیک آغاز و تا هفت روز پس از اتمام بازی‌های المپیک ادامه دارد. آتش بس المپیک، قطعنامه سازمان ملل متحد است که توسط تعداد زیادی از کشورها پیش از هر بازی المپیک و پارالمپیک حمایت می‌شود.	آتش بس المپیک
نهضت المپیک، با فعالیتی مقبول در عرصه فرهنگ جهانی بشری، طی بیش از یک قرن حضور در عرصه جهانی، جایگاه ویژه‌ای در روابط بین‌الملل یافته است.	نهضت المپیک
جهانی‌شدن بحث ورزش به تدریج انحصار حاکمیت سرزمینی دولت‌ها را به چالش کشیده و دولت‌ها را مجبور به پذیرش نظم نوینی می‌کند.	انحصار حاکمیت سرزمینی دولت‌ها را به چالش کشیده
تحریم‌های اقتصادی نیازمند قطعنامه سازمان ملل باشد و باعث بیکاری و فقر در کشور هدف شود، اما تحریم یک رخداد ورزشی به چنین مجوزی احتیاج ندارد. دولت‌ها گاهی به دلایل سیاسی بازی های المپیک را تحریم می‌کنند.	اقتدار قانونی المپیک ؛ و پارالمپیک
از سوی دیگر در برخی از موارد سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی ورزشی مانند کمیته بین‌المللی المپیک و یا فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی، در واکنش به رفتارهای خارج از اصول پذیرفته‌شده بین‌الملل بشر و یا نقض تعهدات خاص حقوق عرصه لکس اسپورتوا، اقدام به تعلیق عضویت نهادهای ورزشی کشور خاطی می‌کنند.	تعلیق عضویت نهادهای ورزشی کشور خاطی
با جهانی‌شدن ورزش، فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی به‌طور فزاینده‌ای بر مقررات حقوقی متمرکز شده اند. این سازمان‌ها، ورزش بین‌المللی را کنترل و اداره می‌کنند.	اقتدار قانونی
آن ها سازمان‌های خودمختار هستند و به دولت‌های ملی وابسته نیستند.	اقتدار قانونی
در این مسیر با هرگونه دخالت دولت برای اعمال سیاست‌هایش برخورد می‌کنند و در صورتی که دولت‌ها موفق به نفوذ در عرصه ورزش شوند، فدراسیون‌های بین‌المللی به‌عنوان اهرم فشار برای عقب نشینی دولت‌ها اقدام به تعلیق و یا محرومیت فدراسیون‌های ملی می‌کنند.	اعمال نفوذ اقتدار

اقتدار قانونی	پیرو تزام پیش آمده میان رعایت اصل بی طرفی با اصل اساسی دیگری از منشور المپیک که همانا تحقق و ارتقای حقوق بشر
ابزار قدرت نرم	معادله قدرت و امنیت از چهارچوب سنتی خود در سیاست های بین المللی خارج گردیده و بستر جدیدی از تعاملات میان کشورها را فراهم آورده است.
مشروعیت بخشی ورزشکاران	با دعوت از ورزشکاران و احترام بین المللی قائل شدن برای آنها به نوعی به ورزشکاران مشروعیت می بخشند.
دستیابی به قدرت و اقتدار به شکل کسب قدرت های نرم	ورزش چون المپیک و پارالمپیک شکل دستیابی به قدرت و اقتدار به شکل کسب قدرت های نرم مانند ورزش تغییر یافته است.
ایجاد مشروعیت و ملت سازی	وقتی ورزشی از سطح ملی فراتر رود و در سطوح منطقه ای و جهانی مطرح شود، ابعاد و تأثیرات آن نیز به شدت گسترش می یابد. به همین ترتیب توانایی ورزش در ایجاد مشروعیت و ملت سازی، حکومت ها را در توجه به ورزش ناگزیر ساخته است.
عرصه برای نشان دادن اقتدار	حکومت ها با اشکال مختلف ایدئولوژی های سیاسی، رقابت های ورزشی بین المللی را به عنوان زمینه ای برای آزمودن ملت یا نظام سیاسی مورد تأیید قرار داده اند.
بازتولید و تقویت سلطه طبقه حاکم	نظام ها به خصوص در نظام هایی که سلطه گر هستند به کمک ورزش، الگویی با ماهیت و شاخص های مدنظر خود را به جامعه و طبقات ورزشی تحمیل می کنند.
تبلیغات سیاسی	برخی از ورزشکاران حرفه ای می توانند نقش کلیدی در ایجاد تبلیغات سیاسی برای توسعه صلح، رفتار انتخاباتی، مشارکت سیاسی، ابزار حکومتی، ملت سازی، هم گرایی و غیره داشته باشند.
نفوذ اجتماعی	ورزشگاه ها همواره محیط های مناسبی برای معترضان سیاسی و مدنی بوده است که با اعمال توجه و حمایت از تیمی در مقابل تیم مورد حمایت دولت یا ورزشی خاص، دست به نمایش گستردگی اعتراض خود می زنند و شرایطی را فراهم می آورند تا ورزشکاران هم به جمع معترضان پیوسته، از نفوذ اجتماعی آنها بهره مند شوند.
تجلی جامعه مدنی	استادیوم های ورزشی می تواند به فضایی برای تجلی جامعه مدنی و طرح برخی از خواسته های مدنی تبدیل گردد. لذا دولت ها تا م توانند سعی کنند قدرت و اقتدار خود را در این ورزش ها حفظ نمایند.
حفظ اقتدار سیاسی	اگر دقت کنیم می بینیم که کشورها در مجامع بین المللی بیشتر این اعمال قدرت را از خود نشان می دهند، چرا که ورزش به نمودی از عملکرد آنها تبدیل شده است.
اعمال قدرت	

ورزش تبدیل به دیپلماسی شده که در اختیار کشورها قرار گرفته است و می تواند قدرت و اقتدار یک کشور را به رخ دیگری بکشد. ابزاری قدرتمند برای دستیابی و حتی ایجاد روابط میان دولت ها که م تواند به عنوان یک سیاست خارجه عمل کند.	ورزش تبدیل به دیپلماسی قدرتمندی ورزش
جدول ۳: کدگذاری محوری و انتخابی	
نفوذ بر ورزش و ورزشکاران	نفوذ بر ورزشی
نفوذ داوران خارجی	
نفوذ سیاسی	
گسترش روابط بین المللی	
کاهش روابط بین المللی	
تحریم بین المللی	
آتش بس المپیک	
ورزش تبدیل به دیپلماسی	دیپلماسی ورزشی
تغییر روابط دیپلماتیک	
تغییر شکل قدرت در مجامع بین المللی	
تعلیق عضویت نهادهای ورزشی کشور خاطی	
مشروعیت بخشی ورزشکاران	مشروعیت بخشی
شرایط اقتصادی ناشی از تحریم	
شکل قدرت تبدیل به قدرت نرم	قدرت هوشمند
تغییر توزیع قدرت	(بی قدرتی و قدرت نرم)
از دست رفتن کرسی های ورزشی	
عدم احساس قدرت در مجامع بین المللی	
انحصار حاکمیت سرزمینی دولت ها را به چالش کشیده	اقتدار قانونی
میدانی خاص و عرصه ای برای نشان دادن اقتدار	
مافیای ورزشی	
محدودیت در عملکرد	سلطه بر ورزش
عدم باور کشورهای دیگر، سخت شدن شرایط گرفتن سهمیه	
عدم حمایت رسانه های خارج کشور	

ب) بخش کمی

نرمال بودن داده‌ها

جدول ۴: آزمون نرمال بودن داده‌ها

نفوذ ورزشی	۱۴۳	۰/۳۳۱
دیپلماسی ورزشی	۱۴۳	۰/۲۳۰
مشروعیت بخشی	۱۴۳	۰/۲۵۷
قدرت هوشمند	۱۴۳	۰/۲۴۸
اقتدار قانونی	۱۴۳	۰/۲۳۴
سلطه ورزشی	۱۴۳	۰/۲۲۳

همان طور که در جدول ۴ نمایش داده شده، در تمامی موارد مقدار معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ به دست آمده است. بنابراین دلیلی برای رد فرض صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌ها وجود ندارد. به عبارت دیگر، توزیع داده‌های تحقیق نرمال است و می‌توان آزمون‌های پارامتریک را اجرا کرد.

جدول ۵: خلاصه آماره‌های مربوط به تجزیه رگرسیونی

ضریب	ضریب	ضریب تبیین	اشتباه	کمیت دوربین واتسون
همبستگی	تبیین	اصلاح شده	معیار	
۰/۴۲	۰/۴۰	۰/۳۹	۱۹/۵۴	۱/۶۲۱

جدول ۶: تحلیل واریانس برای آزمون معنی داری شکل رگرسیونی

مجموع	درجه	میانگین	کمیت f	سطح معنی داری
مجذورات	آزادی	مجذورات		
۹۱۶۲۴/۷۳	۸	۳۰۵۴۱/۵		
۴۳۱۱۵/۱۹	۱۳۴	۳۷۱/۶	۵۸/۱۴۰	۰/۰۰۰
۱۳۴۷۳۹/۹	۱۴۲	-		

جدول ۷: متغیرهای وارد شده به رگرسیون

سطح معنی داری	T	ضریب استاندارد		متغیرهای وارد شده
		Beta	ضریب ناخالص یا استاندارد نشده اشتباه معیار	
۰/۰۰۰	۲/۶۶۰		۱۳/۹۶۲	ضریب ثابت
۰/۰۰۰	۲/۲۰۰	۰/۶۳۲	۰/۲۱۲	اقتدار قانونی
۰/۰۰۰	۱/۴۱۳	۰/۴۴۸	۰/۳۲۱	نفوذ ورزشی
۰/۰۰۰	۱/۱۵۲	۰/۴۴۳	۰/۴۲۸	قدرت هوشمند
۰/۰۰۱	۱/۱۲۰	۰/۳۸۱	۰/۴۷۸	دیپلماسی ورزشی
۰/۰۰۱	۱/۱۱۲	۰/۲۹۸	۰/۴۹۲	سلطه ورزشی
۰/۰۰۲	۱/۰۰۲	۰/۱۹۸	۰/۴۷۸	مشروعیت بخشی

با توجه به نتایج جدول بالا، مولفه‌های اقتدار قانونی و نفوذ ورزشی بیشترین نقش را بر اقتدار سیاسی کشور می‌گذارند- در روش گراند تئوری کلاسیک به‌خصوص نظریه‌ای ارائه می‌دهیم نه صرفاً از نظریات دیگران بهره بگیریم و در نهایت بر نظریاتی که اشتراک نظری داریم، تاکید می‌کنیم.

بحث و نتیجه‌گیری

رقابت بین ملت‌ها همیشه یکی از ویژگی‌های بازی‌های المپیک بوده است. به رغم اصرار کمیته بین‌المللی المپیک که جدول مدال‌های المپیک مبنی بر شایستگی کشوری بر کشور دیگر نیست، شمارش مدال‌ها توسط سیاست‌مداران و رسانه‌ها برای مقایسه موفقیت بین‌المللی استفاده می‌شود. در نتیجه استانداردهای روزافزون و مستمر در ورزش بین‌المللی به رقابت بین نظام‌ها تبدیل شده است. مردم و صاحب‌نظران این رقابت‌ها را به دلیل ویژگی‌های مختلف آن از جمله تعداد ورزشکاران حاضر از هر کشور در این رقابت‌ها، تعداد رشته‌های ورزشی، به اهتزاز درآمدن پرچم‌ها و پخش سرود ملی کشورهای برتر، فراگیر شدن و تحول در ارتباطات و گسترش رسانه‌های جمعی، از سایر مسابقات ورزشی قهرمانی جهان که به صورت سالانه برگزار می‌شود، بسیار مهمتر و ارزشمندتر می‌دانند. شاید بتوان گفت مسابقات المپیک، نمایی به تمام معنا از فضای داخلی یک کشور است که همچون مناسبات سیاسی، کشورها سعی می‌کنند در آن پیروز شوند به‌خصوص که امروز معادلات قدرت در کشورها از بحث‌های سنتی خارج شده و دیگر کشورها به سوی ابزارهای قدرت نرم مثل ورزش روی آورده اند، چرا که به نظر می‌رسد در این میدان که معادلات خود را دارد می‌تواند بدون تهدید، نموده‌های قدرت سخت خود را به جهانیان عرضه نمایند.

هدف از تحقیق حاضر، تبیین چگونگی نقش ورزش بر اقتدار سیاسی بود. یافته‌ها نشان داد که نوع اقتدار جنبش المپیک از نوع اقتدار عقلانی (وبری) است؛ اقتداری که مشروعیت خود را از ورزشکاران و

هیئت‌های ورزشی می‌گیرد و قوانینی که اکثر جوامع آن را پذیرفته‌اند. اما این یک اقتدار قانونی صرف نیست، بلکه در این مسابقات با پشتوانه این اقتدار بر اقتدار سیاسی کشورها نفوذ می‌کند؛ به گونه‌ای که دیگر حتی مرزها و جغرافیایی که دولت‌ها در اختیار خود می‌پندارند را موجودیت نمی‌بخشد و به وسیله قدرت هوشمند- که هوشمندی نمود دیگری از عمل انسانی است- با جلوگیری از شکست یا ایجاد موفقیت می‌تواند به صورت مولد قدرت نرم عمل کند. قدرت هوشمند، ترکیبی است از قدرت سخت زور و تطمیع با قدرت نرم جذب و ترغیب که همراه با دیپلماسی سیاسی و سلطه همراه آن می‌تواند فرایند اقتدار سیاسی هر کشوری را به خطر اندازد. نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش هادیان و همکار (۱۴۰۱) که معتقد است میدان ورزش‌ها قابلیت تغییر روند سیاست خارجی یک کشور را دارد و تحقیق شارکوف و همکار (۲۰۲۰) که دریافتند یک نیاز آشکار برای شناسایی رابطه فرهنگ جسمی (ورزش) با کل جامعه و با تمام عناصر ساختار اجتماعی و نهادهای خاص اجتماعی وجود دارد و پژوهش التیامی و محمدی عزیزآبادی (۱۳۹۴) که بیان می‌کنند ورزش نقش تسریع‌کننده در صلح میان دولت‌ها دارد و همگی بر نقش مهم ورزش تأکید دارند، همسو و هم جهت است. بنابراین می‌توان گفت که ورزش قادر است از طریق مشارکت ورزشکاران در فعالیت‌های بین‌المللی و هم سو شدن با اهداف مورد نظر آن نظام سیاسی که نماینده آن هستند، به آن مشروعیت بخشد. از سوی دیگر، ساختار سیاسی ورزش از طریق اقتدار قانونی و براساس نفوذ سیاسی خود دارای نوعی سلطه ورزشی بر ورزشکاران است. همچنین، قدرت هوشمند و دیپلماسی ورزش می‌تواند هم گویای اقتدار سیاسی درمجامع بین‌المللی و هم ضعف سیاسی آن کشور باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود اعمالی که موجب تضعیف نهاد ورزش کشور می‌گردد، مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهایی جهت بهبود وضعیت ارائه شود. ورزش می‌تواند طی فرایندی همراه با اقتدار، نفوذ و قدرت هوشمند اقتدار سیاسی خود جوامع را متحول سازد.

منابع

- التیامی، رضا و محمدی عزیزآبادی، مهدی. (۱۳۹۴). «نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها». فصل‌نامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲۲، صص ۱۷۹-۱۴۹.
- بابایی، محمد؛ سمیر، رضا؛ سلیمانی کاشایه؛ سجاد و رضایی، مریم. (۱۳۹۴). «تأثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم در نظام بین‌الملل». نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۲۹، صص ۱۴۳-۱۵۹.
- بلاو، پیترو. (۱۳۸۴). «چند انتقاد از نظریه اقتدار و بر عقلانیت و آزادی: مقالاتی از ماکس وبر و درباره ماکس وبر». احمد تدین. تهران: انتشارات هرمس
- پیمان‌فر، محمدحسن؛ الهی، علیرضا؛ سجادیپور، سیدمحمدکاظم و حمیدی، مهرداد. (۱۴۰۰). «راهبردهای توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران». مجلس و راهبرد، ۲۸ (۱۰۶)، صص ۱۶۳-۱۸۲.
- زرگر، افشین. (۱۳۹۴). «ورزش و روابط بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی و تئوریک». فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی. سال ۱۱، شماره ۳۱، صص ۷-۴۸.

- جوانمرد، کمال. (۱۴۰۱). «ورزش و بازتاب‌های اجتماعی از منظر "مارسل موس"». فصل‌نامه مطالعات راهبردی جامعه‌شناختی در ورزش. دوره ۲، شماره ۴، شماره پیاپی ۵، صص ۱-۱۸.
- جوانمرد، کمال و صنعت‌خواه، علیرضا. (۱۴۰۱). «تبیین کیفی زمینه‌ها و شرایط مشارکت دانشجویان دختر در ورزش همگانی». فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست. شماره ۷۷، صص ۳۶۵-۳۸۸.
- جوانمرد، کمال و نوایخن، مهرداد. (۱۳۹۳). «بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی ایران در دهه هشتاد». فصل‌نامه مطالعات علوم اجتماعی ایران. سال ۱۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۱، صص ۲۷-۵۴.
- شاه‌رضایی، فاطمه و شیرزادی، رضا. (۱۳۹۷). «ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل». مجله مطالعات بین‌المللی. دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۱۵۸-۲۲۰.
- شعبانی بهار، غلامرضا و فلاح، عباس. (۱۳۹۹). «الگوی راهبردی برنامه‌ریزی اداره امور ورزش براساس گفت‌وگو امام و رهبری، قانون اساسی، تجارب جمهوری اسلامی و تجارب موفق پشری». مجله مطالعات دفاعی استراتژیک. دوره ۱۸، شماره ۸۰، صص ۳۰۷-۳۲۸.
- صدرنوبی، رامپور. (۱۳۷۶). «پرستیژ، قدرت و زو». فصل‌نامه دانش و توسعه. شماره‌های ۶-۷، صص ۵-۲۶.
- عرب نرمی، بتول. (۱۳۹۵). «فضای گفت‌وگویی فعالیت بدنی زنان». مجله زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۴۷۷-۷۹۱.
- عزیزآبادی، محمدمهدی و بهشتی، سیدصمد. (۱۳۹۸). «جامعه‌شناسی سیاسی ورزش: تأثیر ورزش و ورزشکاران حرفه‌ای بر زندگی سیاسی». فصل‌نامه سپهر سیاست. دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۱۴۲-۱۷۴.
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۸). «سیاست و ورزش». فصل‌نامه سیاست. دوره ۲، شماره ۳۶، صص ۳۰۱-۳۱۶.
- نوایخن، مهرداد و کریمی، فاروق. (۱۳۹۷). «واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو». فصل‌نامه مطالعات سیاسی. شماره ۳، صص ۵۰-۶۳.
- نوایخن، مهرداد و جوانمرد، کمال. (۱۳۸۸). «پیشقراولان جامعه‌شناسی ورزش». فصل‌نامه تخصصی جامعه‌شناسی. شماره ۱۴، صص ۱۳۳-۱۵۰.
- هادیان جزمی، ناصر و کریمی، امیر هوشنگ. (۱۴۰۱). «بررسی چگونگی تعامل ورزش-سیاست خارجی بر پایه «نظریه میدان» پی‌یر بوردیو». دوره ۵۲، شماره ۱، صص ۲۴۸-۲۵۹.
- Clift, B., Bustad, J. (2019). Oxford Bibliographies in Political Science. Article "Sport and Politics". In *Oxford Bibliographies (Oxford Bibliographies)*. Oxford University Press.
- Kharkov, F.I., Silk V.V. (2020). "Sociology of sports and the space of sports practices: Social genesis and sociological theories". RUDN Journal of Sociology, VO.I. 20 No. 137-144.
- Ørnulf Seippel Håvard B. Dalen Morten R. Sandvik Gerd Marie Solstad. (2018). "From political sports to sports politics: on political mobilization of sports issues". International Journal of Sport Policy and Politics, Volume 10, 8 Issue 48.